

مزدوری را مورد استثمار قرار میدهند (پاکار اجیر میکنند) . علاوه بر این ، آنها یا قسمتی از زمینهای خود را اجاره میدهند و از راه دریافت بهره مالکانه استثمار میکنند ، یا به رباخواری میپردازند و یا بامور صنعتی و تجارتنی اشتغال میورزند . اغلب دهقانان مرفه نیز به اداره اراضی عمومی میپردازند . همچنین کسی را که صاحب قطعه زمین نسبتاً بزرگ و مرغوب است و خودش کار میکند بدون آنکه مزدور بگیرد ، ولی دهقانان را از طریق دریافت بهره مالکانه و رباخواری و غیره مورد استثمار قرار میدهد ، باید جزو دهقانان مرفه قلمداد کرد . دهقانان مرفه دائماً استثمار میکنند و بسیاری از آنها قسمت عمده درآمد خود را از این منبع بدست میآورند .

### ۳ - دهقانان میانه حال

عده زیادی از دهقانان میانه حال صاحب زمین اند . برخی از آنها فقط صاحب مقداری زمین میباشند و مقداری هم اجاره میکنند . برخی دیگر از خود زمینی ندارند بلکه تمام زمینی را که میکارند ، اجاره میکنند . همه آنها مقدار قابل ملاحظه‌ای وسایل تولید دارند که متعلق بخود آنهاست . دهقانان میانه حال منحصراً یا بطور عمده از کار شخصی خود امرار معاش میکنند . آنها علی‌القاعده دیگران را استثمار نمیکنند ؛ عده زیادی از آنها از راه پرداخت مبلغ ناچیزی بشکل بهره‌مالکانه یا تنزیل مورد استثمار قرار میگیرند . ولی آنها معمولاً نیروی کار خود را نمیفروشند . بعضی از آنها ( دهقانان میانه حال مرفه ) تا حدودی دیگران را استثمار میکنند ، لیکن این استثمار بطور دائمی صورت نمیگیرد و قسمت عمده درآمد آنها را تشکیل نمیدهد .

## ۴ - دهقانان فقیر

در میان دهقانان فقیر بعضی مالک مقداری زمین هستند اما وسایل تولید آنها کافی نیست ، برخی دیگر مطلقاً مالک زمین نیستند ولی فقط دارای مقدار کمی وسایل تولید میباشند . دهقانان فقیر بطور کلی مجبورند زمین را اجاره نمایند و از آنجا که باید بهره مالکانه و تنزیل پردازند و قسمت کوچکی از نیروی کار خود را بفروشند ، مورد استثمار قرار میگیرند .

دهقانان میانه حال معمولاً نیازی به فروش نیروی کار خود ندارند ، در حالیکه دهقانان فقیر مجبورند قسمت کوچکی از نیروی کار خود را بفروشند . اینست ملاک اصلی تشخیص دهقانان میانه حال از دهقانان فقیر .

## ۵ - کارگران

کارگران ( و از آنجمله مزدوران کشاورزی ) بطور کلی نه زمین دارند ، و نه وسایل تولید ؛ بعضی از آنها فقط صاحب قطعه بسیار کوچکی زمین و مختصری وسایل تولید هستند . کارگران منحصراً یا بطور عمده از فروش نیروی کار خود امرار معاش میکنند .

## یادداشتها

۱ - در روستای چین چندین نوع زمین عمومی وجود داشت : زمینهای متعلق به مقامات بخش یا دهستان ؛ زمینهای متعلق به معبد نیاکان قبیله ؛ زمینهای متعلق به معبد بودائی یا تائوئی ؛ زمینهای متعلق به کلیسای مسیحی یا مسجد ؛ زمینهایی که

درآمد آنها بمصرف مخارج تعاون اجتماعی یا امور عام المنفعه میرسید ، مانند زمینهای متعلق به انبارهای عمومی وزمینهایی که درآمد آنها بمصرف ساختمان و نگاهداری راهها و پلها میرسید ؛ و بالاخره زمینهایی که عواید آنها بمصرف مخارج آموزشی میرسید ، مانند زمینهای متعلق بمدارس . کلیه این اراضی بطور عمده تحت نظارت مالکان ارضی و دهقانان مرفه بودند و دهقانان فقط میتوانند در اداره قسمت کوچکی از این زمینها شرکت نمایند .



## سیاست اقتصادی ما

( ۲۳ ژانویه ۱۹۳۴ )

فقط بیش‌مترین دیکتاتورهای نظامی گومیندان که در مناطق تحت سلطه خویش ، خلق را تقریباً به بینوایی و اقتصاد را به لب پرتگاه ورشکستگی کشانده‌اند ، میتوانند هر روز شایعه پراکنی کنند که گویا مناطق سرخ کاملاً دستخوش ویرانی شده‌اند . امپریالیسم و گومیندان قصد دارند که مناطق سرخ را ویران کنند ، بکار ساختمان اقتصادی که در این مناطق دنبال میشود ، لطمه بزنند و رفاه و آسایش میلیونها کارگر و دهقان را که به آزادی دست یافته‌اند ، مختل سازند . بدین منظور آنها نه تنها نیروهای مسلح خود را برای عملیات نظامی "محاصره و سرکوب" تجهیز کرده‌اند ، بلکه سیاست بیرحمانه محاصره اقتصادی را نیز دنبال نموده‌اند . ولی ما که توده‌های وسیع مردم و ارتش سرخ را رهبری میکنیم ، نه تنها این عملیات "محاصره و سرکوب" دشمن را بدفعات در هم شکسته‌ایم ، بلکه برای خنثی کردن محاصره شوم اقتصادی دشمن نیز تا آنجا که ممکن و

---

اثر حاضر متن نطقی است که رفیق مائو تسه دون در ژانویه ۱۹۳۴ در دومین کنگره کشوری نمایندگان کارگران و دهقانان در ژوی جین از استان جیان سی ایراد کرده‌است .

لازم است ، بکار ساختمان اقتصادی پرداخته‌ایم . ما در این زمینه نیز پی‌درپی موفقیت‌هایی بدست آورده‌ایم .

اصول سیاست اقتصادی ما عبارتند از اینکه در زمینه ساختمان اقتصادی هر کاری را که ممکن و ضرور است ، انجام دهیم و منابع اقتصادی را برای رفع نیازسندیهای جنگ متمرکز سازیم ؛ در عین حال وضع زندگی توده‌ها را تا حد امکان بهبود بخشیم ، اتحاد کارگران و دهقانان را در زمینه اقتصادی تحکیم کنیم ، رهبری پرولتاریا را بر دهقانان تضمین نمائیم و برای تأمین نقش رهبری بخش دولتی اقتصاد نسبت به بخش خصوصی کوشش کنیم تا بدینسان شرایط مقدماتی گذار آتی به سوسیالیسم را فراهم آوریم .

وظایف مرکزی ساختمان اقتصادی ما عبارتند از : افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی ، توسعه تجارت با مناطق خارج و رشد کثوپراتیوها .

کشاورزی مناطق سرخ بروشنی در حال پیشرفت است . تولید کشاورزی در سال ۱۹۳۳ نسبت به سال ۱۹۳۲ پانزده درصد در منطقه جیان سی جنوبی - فو جیان غربی و بیست درصد در منطقه مرزی فو جیان - جه جیان - جیان سی افزایش یافته است . در منطقه مرزی سی چوان - شنسی محصول خوب بوده است . هرگاه که یک منطقه سرخ ایجاد میشد ، غالباً در یکی دو سال اول سطح تولید کشاورزی پائین می‌آمد (۱) . ولی وقتیکه ما پس از تقسیم اراضی حق مالکیت دهقانان را بر زمین معین کردیم و بمنظور تشویق کار تولیدی اقداماتی اتخاذ نمودیم ، توده‌های دهقان با شور و شوق بیشتری بکار پرداختند و تولید دوباره جان گرفت . در حال حاضر تولید کشاورزی در بعضی نقاط بسطح قبل از انقلاب رسیده و حتی از آن هم تجاوز کرده است . در برخی نقاط نه تنها زمین‌هایی که در جریان قیام‌های انقلابی بحال خود رها شده بودند ، زیر کشت رفته‌اند بلکه زمینهای جدیدی نیز برای کشت آماده شده‌اند . در

بسیاری از نقاط گروههای تعاونی و دسته‌های شخم زنی (۲) ایجاد شده‌اند تا در روستا از نیروی کار بطور منطقی و صحیح استفاده شود؛ برای رفع کمبود گاو شخم زن نیز کثوپراتیوهائی تشکیل گردیده است. بعلاوه زنان هم گروه گروه در کار تولیدی شرکت میجویند. چنین وضعی در زمان گومیندان اصلاً نمیتوانست پیدا شود. در آنموقع چون زمین به مالکان ارضی تعلق داشت، دهقانان نه میخواستند و نه وسیله آنها داشتند که زمین را بارورتر سازند. فقط پس از آنکه ما زمین را میان دهقانان تقسیم کردیم و کار تولیدی آنها را تشویق نمودیم و پاداش دادیم، شور و شوق دهقانان نسبت بکار زنده شد، و موفقیت‌های عظیمی در کار تولیدی بدست آمد. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی در کار ساختمان اقتصادی ما کشاورزی مقام اول را احراز میکند. کشاورزی نه فقط باید مسئله مواد خوراکی را که مهمترین مسئله است، بلکه باید مسئله مواد اولیه را مانند پنبه، کتان، نیشکر و خیزران که برای تهیه اجناس مورد نیاز مبرم مانند لباس، قند و کاغذ ضرورت دارند، نیز حل کند. جنگلداری و افزایش دام‌ها نیز بخش مهمی از کار کشاورزی را تشکیل میدهند. در چارچوب اقتصاد دهقانان خرده پا، نه تنها مجاز بلکه ضرور است که جهت تهیه بعضی از تولیدات مهم کشاورزی نقشه‌های مناسبی تدوین شود و دهقانان برای تحقق این نقشه‌ها بسیج گردند. ما باید باین امر توجه بیشتری مبذول داریم و در این راه کوشش زیادتری بخرج دهیم. ما باید دهقانان را با جدیت رهبری کنیم تا بتوانند مسایل مشکلی که در راه ایجاد شرایط لازم برای تولید کشاورزی پیدا میشوند — مانند مسایل نیروی کار، گاو شخم زن، کود، بذر و آبیاری — حل نمایند. در این زمینه وظیفه اصلی ما اینستکه از نیروی کار بطرق سازمانی استفاده صحیح و منطقی کنیم و زنان را به شرکت در کار کشاورزی تشویق نمائیم.

اقدامات لازم برای حل مسئله نیروی کار عبارتند از : تشکیل گروه‌های تعاونی و دسته‌های شخم زنی ، بسیج و تشویق تمام اهالی روستا در فصول شخم زنی که کار زیاد است مانند بهار و تابستان . مسئله جدی دیگر اینستکه عده زیادی از دهقانان ( تقریباً ۲۵ درصد ) گاو شخم زن ندارند . ما باید توجه کنیم که برای استفاده همگانی از گاو شخم زن کثوپراتیوهای ایجاد کردند و دهقانانی را که گاو ندارند ، تشویق نمائیم که داوطلبانه و شریکی گاو شخم زن بخرند . ما باید به امور آبیاری که شریان حیاتی کشاورزی است ، نیز توجه فراوان معطوف داریم . البته ما هنوز نمیتوانیم مسئله کشاورزی دولتی یا اشتراکی را مطرح سازیم ، ولی برای تسریع در امر رشد کشاورزی ضرورت مبرم دارد که در نقاط مختلف ، مزارع کوچک آزمایشی و مدارس تحقیقات کشاورزی دایر کنیم و نمایشگاه‌های محصولات کشاورزی ترتیب دهیم .

محاصره دشمن برای صدور کالاهای ما بخارج مشکلاتی ایجاد کرده‌است . تولید بسیاری از بخشهای صنایع دستی مناطق سرخ بویژه تهیه توتون و کاغذ رو به تحلیل نهاده است . معدک مشکلاتی که در صدور کالا پدید آمده‌اند ، بهیچوجه رفع نشدنی نیستند . زیرا وجود نیازمندیهای توده‌های عظیم برای ما بازار وسیعی ایجاد میکند . ما باید نخست برای رفع نیازمندیهای خودمان و سپس برای تجارت با خارج صنایع دستی و بعضی صنایع دیگر را طبق برنامه احیا کنیم و رشد دهیم . اگر طی دو سال اخیر و بویژه از نیمه اول سال ۱۹۳۳ بسیاری از بخشهای صنایع دستی و بعضی از شعب صنعتی رو به احیاء نهاده‌اند ، برای آنستکه ما بآنها توجه کردیم و علاوه بر این کثوپراتیوهای تولیدی توده‌ها نیز بتدریج رشد یافتند . در اینجا صحبت بطور عمده بر سر تولید توتون ، کاغذ ، ولفرام ، کافور ، آلات و ابزار کشاورزی و کود ( آهک وغیره ) است . در شرایط کنونی همچنین نباید تهیه پارچه ، دارو و قند را از نظر فروگذاریم .



در منطقه مرزی فوجیان - جه جیان - جیان سی بعضی صنایع مانند کاغذسازی، پارچه‌بافی و قندسازی که قبلاً موجود نبودند، اکنون ایجاد شده‌اند و نتایج رضایت بخشی هم بدست آمده است. مردم برای حل مسئله کمبود نمک، از خاک شوره زارها نمک میگیرند. اداره کردن صنایع مستلزم تنظیم نقشه مناسب است. البته نقشه کشی دقیق و همه جانبه با داشتن صنایع دستی پراکنده امکان پذیر نیست. ولی تنظیم نقشه‌های تولیدی نسبتاً دقیق برای بعضی مؤسسات مهم و در درجه اول برای مؤسسات دولتی و کئوپراتیوی مطلقاً ضرور است. هر يك از مؤسسات صنعتی دولتی و کئوپراتیوی باید از همان آغاز فعالیت خود به برآورد دقیق مواد اولیه و بازارهای فروش در مناطق دشمن و در مناطق خود مان توجه نماید.

در حال حاضر بویژه ضرور است که مبادلات تجارتي اهالی با مناطق خارج طبق نقشه سازمان داده شود و دولت تجارت پاره‌ای از کالاهای ضرور مانند واردات نمک و پارچه، صادرات غلات و ولفرام و همچنین تنظیم توزیع غلات را در سرزمینهای خود مستقیماً در دست گیرد. این کار که ابتدا در منطقه مرزی فوجیان - جه جیان - جیان سی آغاز گردید، در بهار سال ۱۹۳۳ در منطقه مرکزی نیز بچریان افتاد. ما در اثر ایجاد ارگانهای نظیر اداره تجارت خارجی، موفقیت‌های اولیه بدست آورده‌ایم.

اقتصاد ملی ما اکنون از سه بخش تشکیل میشود: بخش دولتی، بخش کئوپراتیوی و بخش خصوصی.

در حال حاضر فقط آن مؤسسات اقتصادی تحت اداره دولت قرار دارند که اداره آنها از طرف دولت ممکن و لازم است. صنعت و تجارت دولتی رشد خود را آغاز کرده‌اند و دورنمای آنها نامحدود است.

در مورد بخش خصوصی اقتصاد، تا زمانیکه این بخش حدود قانونی

دولت را محترم بشمارد ، ما در سر راه آن مانعی ایجاد نمیکنیم و حتی آنرا رشد میدهیم و تشویق مینمائیم . زیرا در مرحله کنونی رشد این بخش اقتصادی برای منافع دولت و خلق ضرور است . جای بحث نیست که اقتصاد خصوصی هنوز اقتصاد متفوق است و حتماً مدتی نسبتاً طولانی مقام متفوق خود را حفظ خواهد کرد . در حال حاضر اقتصاد خصوصی مناطق سرخ از مؤسسات کوچک تشکیل میشود .

بخش کثوپراتیوی بسرعت زیاد رشد مییابد . طبق آماریکه در سپتامبر سال ۱۹۳۳ از ۱۷ شهرستان در جیان سی و فوجیان بدست آمده ، مجموعاً ۱۴۲۳ کثوپراتیو گوناگون وجود دارد که سرمایه کل آنها از سیصد هزار یوان تجاوز میکند . کثوپراتیوهای مصرفی و کثوپراتیوهائی که برای غلات ایجاد شدهاند ، از همه بیشتر رشد کردهاند ، کثوپراتیوهای تولیدی بعد از آنها می آیند . کثوپراتیوهای اعتبار فعالیت خود را تازه آغاز کردهاند . اقتصاد کثوپراتیوی و اقتصاد دولتی با فعالیت مشترک خود طی مدت طولانی به نیروی اقتصادی عظیمی مبدل خواهند شد ، بتدریج بر اقتصاد خصوصی برتری خواهند یافت و نسبت باین اقتصاد نقش رهبری را ایفا خواهند نمود . بدینجهت باید در عین تشویق رشد بخش خصوصی ، بخش دولتی را بعداً کثرت داد و بخش کثوپراتیوی را بطور وسیع گسترش بخشید .

ما بمنظور رشد اقتصاد دولتی و کمک به اقتصاد کثوپراتیوی با تکیه به پشتیبانی تودهها سه میلیون یوان اوراق قرضه ساختمان اقتصادی انتشار دادیم . در شرایط کنونی اتکاء به نیروی تودهها یگانه وسیله ممکن برای حل مسئله سرمایه گذاری در امر ساختمان اقتصادی است .

افزایش درآمد از راه رشد اقتصاد ملی اصل اساسی سیاست مالی ماست . این سیاست هم اکنون در منطقه مرزی فوجیان - جه جیان - جیان سی نتایج

محسوسی بیار آورده و در منطقه مرکزی نیز ثمربخش بوده است. ارگانهای مالی و اقتصادی ما موظفند که این سیاست را مؤکداً اجرا نمایند. در این زمینه باید با دقت فراوان مراقب بود که بانگ دولتی در انتشار اسکناس بطور عمده پاسخگوی نیازمندیهای رشد اقتصاد ملی باشد و احتیاجات صرفاً مالی را فقط در درجه دوم اهمیت قرار دهد.

صرفه‌جوئی در هزینه دولت باید رهنمود اصلی باشد. باید برای تمام کارمندان دولت روشن شود که اختلاس و اسراف جنایتی بس عظیم است. مبارزه علیه اختلاس و اسراف هم اکنون به نتایجی رسیده است، ولی باید این کوشش را در آینده نیز دنبال کرد. سیستم محاسباتی ما باید این اصل را رهنمون باشد که بخاطر امر جنگ، بخاطر امر انقلاب و بخاطر ساختمان اقتصادی حتی يك شاهي را هم باید صرفه‌جوئی کرد. شیوه‌های ما در استفاده از درآمدهای دولتی باید اکیداً با شیوه‌های گومیندان فرق کند.

در این هنگام که چین در وضع اقتصادی فلاکت باری افتاده و صدها میلیون نفر از گرسنگی و سرما رنج می‌برند، دولت توده‌ای ما، علیرغم تمام مشکلات، با جدیت به انجام کار ساختمان اقتصادی بسود جنگ انقلابی و ملت پرداخته است. بدیهی است که فقط با شکست دادن امپریالیسم و گومیندان و فقط با کار طبق نقشه و تشکیلاتی در زمینه ساختمان اقتصادی خواهیم توانست خلق سراسر کشور را از این مصیبت بیسابقه برهانیم.

### یادداشتها

۱ - هرگاه که يك منطقه سرخ ایجاد میشود، غالباً در یکی دو سال اول سطح تولید کشاورزی بطور عمده باین علت پائین می‌آید که در دوره تقسیم اراضی، حق

مالکیت بر زمین هنوز تعیین نشده و نظم نوین اقتصادی هنوز بخوبی بر قرار نگردیده بود و از اینجهت دهقانان نمیتوانستند فکر خود را کاملا به کار تولیدی متوجه سازند .

۲ - گروههای تعاونی و دسته‌های شخم زنی از طرف دهقانان مناطق سرخ برای استفاده منطقی و صحیح از نیروی کار و تسهیل در کار تولیدی بر اساس اقتصاد فردی تشکیل میشدند . شرکت در این سازمانهای تعاونی داوطلبانه و بر اساس سود متقابل بود . اعضای این سازمانها یکسان کار میکردند و کسیکه کمتر کمک داده و بیشتر کمک گرفته بود ، این تفاوت را با پرداخت پول جبران میکرد . گروههای تعاونی علاوه بر کمک به اعضای خود ، بخانواده‌های جنگجویان ارتش سرخ و پیران بی پشت و پناه هم کمک میکردند ( بکسانیکه به پیران بی پشت و پناه یاری میرساندند ، پولی پرداخت نمیشد بلکه فقط غذای آنها از طرف کمک گیرندگان تأمین میگردد ) . از آنجا که این سازمانهای تعاونی بکار تولیدی زیاد کمک میکردند و متدهائی که بکار میبردند ، منطقی بود ، مورد پشتیبانی گرم توده‌ها قرار میگرفتند . رفیق مائو تسه دون در آثار خود : « تحقیق درباره وضعیت دهستان چان گان » و « تحقیق درباره وضعیت دهستان تسای سی » باین نکات اشاره نموده است .

## از زندگی توده‌ها مواظبت کنید ، به شیوه‌های کار توجه نمائید

( ۲۷ ژانویه ۱۹۳۴ )

رفقا در جریان بحث بدو مسئله توجه کافی نکردند . بنظر من باید درباره ایندو مسئله بیشتر صحبت کرد .

مسئله نخست مسئله زندگی توده‌هاست .

وظیفه مرکزی ما در حال حاضر عبارتست از بسیج کردن توده‌های وسیع برای شرکت در جنگ انقلابی ، سرنگون ساختن امپریالیسم و گومیندان از طریق این جنگ ، گسترش دادن انقلاب به سراسر کشور و بیرون راندن امپریالیستها از چین . هر کس که باین وظیفه مرکزی کم‌بها دهد ، کادر انقلابی خوبی نیست . اگر رفقای ما این وظیفه مرکزی را واقعاً درک کنند ، اگر دریابند که انقلاب را بهر قیمتی شده ، باید به سراسر کشور گسترش دهند ، در آنصورت هرگز نباید مسئله منافع حیاتی توده‌های وسیع ، مسئله زندگی آنها را از نظر فروگذارند و یا بآن کم‌بها دهند . زیرا که جنگ

---

اثر حاضر متن قسمتی از نتیجه‌گیریهایی است که رفیق مائو تسه دون در ژانویه ۱۹۳۴ به دومین کنگره کشوری نمایندگان کارگران و دهقانان در ژوی جین واقع در استان جیان سی ارائه داد .

انقلابی جنگ توده‌هاست و تنها با بسیج توده‌ها و اتکاء بآنهاست که میتوان به چنین جنگی دست زد .

اگر ما برای ادامه جنگ فقط به بسیج خلق پردازیم و بهیچ کار دیگری دست نزنیم ، آیا خواهیم توانست بر دشمن غلبه کنیم ؟ یقیناً خیر . اگر ما بخواهیم پیروز شویم ، باید کارهای بمراتب بیشتری انجام دهیم . ما باید دهقانان را در مبارزه بخاطر بدست آوردن زمین رهبری کنیم و زمین را بین آنها تقسیم نمائیم ؛ شور و شوق آنها را در کار بالا بریم و تولیدات کشاورزی را افزایش دهیم ؛ از منافع کارگران دفاع کنیم ؛ به ایجاد کثوپراتیوها پردازیم ؛ داد و ستد با مناطق خارج را توسعه بخشیم ؛ مسایل توده‌ها - پوشاک ، خوراک ، مسکن ، سوخت ، برنج ، روغن ، نمک ، بیماری ، بهداشت و ازدواج - را حل کنیم . خلاصه تمام مسایل پراتیک زندگی روزانه توده‌ها باید مورد توجه ما قرار گیرند . اگر ما باین مسایل پردازیم ، اگر ما در حل آنها توفیق یابیم و نیازمندیهای توده‌ها را برآورده سازیم ، سازماندهندگان واقعی زندگی توده‌ها خواهیم شد و توده‌ها با میل و رغبت بدور ما گرد خواهند آمد و با حرارت از ما پشتیبانی خواهند کرد . رفقا ! آیا ما در اینصورت خواهیم توانست باین هدف برسیم که توده‌ها از دعوت ما به شرکت در جنگ انقلابی پیروی کنند ؟ آری ، خواهیم توانست - حتماً خواهیم توانست .

در بین کادرهای ما مواردی نظیر موارد زیر مشاهده میشود : آنها فقط به افزایش نفقات ارتش سرخ و واحد حمل و نقل ، به دریافت مالیات ارضی و به فروش اوراق قرضه میپردازند ؛ ولی درباره سایر امور بحث نمیکنند ، آنها را از نظر فرو میگذارند و حتی اصلاً به آنها توجه نمی‌نمایند . مثلاً شهرداری تین جو تا مدتی فقط به افزایش نفقات ارتش سرخ و بسیج مردم برای شرکت در کار حمل و نقل میپرداخت بدون آنکه کوچکترین توجهی

بزندگی توده‌ها مبذول دارد. مسایلی که اهالی تین جو با آن روبرو بودند، از این قرار بود: آنها سوخت نداشتند، نمک نمیتوانستند بخرند زیرا سرمایه‌داران نمک را احتکار میکردند، بعضی از آنها مسکن نداشتند، برنج کمیاب و گران بود. اینها مسایل پراتیک اهالی تین جو بودند و مردم امید فراوان داشتند که ما به آنها در حل این مسایل کمک کنیم. اما شهرداری تین جو هیچیک از این مسایل را به بحث نمیگذاشت. از اینرو پس از آنکه شورای نمایندگان کارگران و دهقانان شهر تین جو از نو انتخاب شد، بیش از صد نماینده از شرکت در جلسات احتراز ورزیدند، زیرا که در چند جلسه اول فقط مسئله افزایش نفقات ارتش سرخ و بسیج مردم برای شرکت در کار حمل و نقل مورد بحث قرار میگرفت، بدون آنکه کوچکترین توجهی به زندگی توده‌ها بشود، و بالاخره شورا از تشکیل جلسه عاجز ماند. و نتیجه این شد که در کار افزایش نفقات ارتش سرخ و بسیج مردم برای شرکت در کار حمل و نقل کم موفقیت بدست آمد. این مورد اول بود.

رفقا! شما لابد جزوهای مربوط بدو دهستان نمونه را که توزیع شده است، خوانده‌اید. این مورد کاملاً با مورد اول تفاوت دارد. چه کمکهای سهمی که دهستانهای چان گان (۱) واقع در جیان سی و تسای سی (۲) واقع در فوجیان در راه افزایش نفقات ارتش سرخ نکرده‌اند! در دهستان چان گان ۸۰ درصد و در دهستان تسای سی ۸۸ درصد جوانان و مردان و زنان سالمند بصفوف ارتش سرخ پیوسته‌اند. اوراق قرضه نیز بمقدار زیاد بفروش رسیده است و اهالی ۱۵۰ نفری دهستان چان گان بارزش ۵۰۰ یوان اوراق قرضه خریده‌اند. در رشته‌های دیگر نیز موفقیت‌های بزرگی بدست آمده است. دلیل پیدایش چنین وضعی چیست؟ ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. هنگامیکه حریق نیمی از خانه يك دهقان فقیر دهستان چان گان را

ویران نمود ، دهداری از اهالی دعوت کرد که بوی کمک نقدی بکنند . در مورد دیگر ، دهداری و جمعیت تعاون به سه نفر از اهالی که چیزی برای خوردن نداشتند ، فوراً مقادیری برنج رساندند . تابستان سال گذشته که کمبود مواد غذایی وجود داشت ، دهداری از شهرستان گون لیوه (۳) که بیش از ۲۰۰ لی از چان گان فاصله دارد ، برای کمک به اهالی برنج وارد کرد . در دهستان تسای سی نیز از این قبیل کارها خوب انجام گرفته است . اینگونه ارگانهای قدرت دهستانی واقعاً ارگانهای نمونه‌اند . شیوه‌های رهبری آنها با شیوه‌های بوروکراتیک شهرداری تین جو مطلقاً فرق دارد . ما باید از رفقای دهستانهای چان گان و تسای سی بیاموزیم و با رهبران بوروکراتی چون رهبران شهرداری تین جو مبارزه کنیم !

من جداً توجه کنگره را باین نکته جلب میکنم که ما باید نسبت به زندگی توده‌ها — از مسایل زمین و کار گرفته تا مسایل سوخت ، برنج ، روغن و نمک — توجه خاص مبذول داریم . زنان میخواهند کار شخم زدن و هموار کردن زمین را بیاموزند ، چه کسی باید اینکارها را بآنها یاد بدهد ؟ اطفال میخواهند بمدرسه بروند ، آیا مدارس برای آنها ایجاد کرده‌اند ؟ آن پل چوبی‌ایکه روبروی ماست ، آنقدر باریک است که احتمال می‌رود انسان در آب بیفتد ، آیا ما نباید آنرا تعمیر کنیم ؟ بسیاری از مردم مبتلا به امراض عفونی و بیماری‌های دیگرند ، چه چاره‌ای باید بیندیشیم ؟ کلیه این مسایل زندگی توده‌ها باید در دستور روز قرار گیرند . باید درباره آنها بحث کرد ، تصمیم گرفت ، تصمیمات را بمرحله اجرا در آورد و اجرای تصمیمات را کنترل کرد . ما باید برای توده‌های وسیع مردم روشن کنیم که ما مبین منافع آنان هستیم و زندگی ما به زندگی آنها پیوسته است . ما باید بآنها کمک کنیم تا بتوانند از خلال همین چیزهای ساده وظایف عالیتری را که



مطرح کرده‌ایم ، یعنی وظایف جنگ انقلابی را درك کنند ، بدینسان از انقلاب پشتیبانی نمایند ، آنرا در سراسر کشور گسترش دهند ، بدعوت سیاسی ما پاسخ مثبت دهند و در راه پیروزی انقلاب تا باخر پیکار کنند . اهالی دهستان چان گان میگویند : "حزب کمونیست واقعاً خوب است ، و تمام احتیاجات ما را در نظر دارد ." کادرهای دهستان چان گان برای همه ما سرمشق‌اند ! چه کادرهای قابل تحسینی ! آنها توانسته‌اند مهر و علاقه واقعی توده‌های وسیع را نسبت بخود جلب کنند ؛ دعوت آنها به شرکت در جنگ از پشتیبانی توده‌های وسیع برخوردار است . آیا میخواهید پشتیبانی توده‌ها را بدست آورید ؟ آیا میخواهید که توده‌ها تمام نیروی خود را در اختیار جبهه بگذارند ؟ در اینصورت باید با توده‌ها زندگی کنید ، شور و شوق آنها را برانگیزید ، بدرد آنها برسید ، از دل و جان بخاطر منافع آنان کار کنید و مسایل تولید و زندگی روزمره آنها — مسایل نمك ، برنج ، مسكن ، پوشاك ، زایمان — بطور خلاصه تمام مسایل توده‌ها را حل کنید . اگر ما اینطور عمل کنیم ، توده‌های وسیع مردم یقیناً از ما پشتیبانی خواهند کرد و انقلاب را چون جان خود ، چون پرچم پرافتخار خود خواهند دانست . اگر گومیندان به مناطق سرخ حمله کند ، توده‌های وسیع تا آخرین نفس خواهند جنگید . در این تردیدی نیست ؛ و انگهی مگر ما نخستین ، دومین ، سومین و چهارمین عملیات "محاصره و سرکوب" دشمن را عملاً با شکست مواجه نساخته‌ایم ؟ گومیندان اکنون به تاکتیک استحکامات (۴) توسل میجوید و در ساختن "کاسه‌های سنگ پشت" شتاب میکند و آنها را دژهای پولادین خود تلقی مینماید . رفقا ! آیا اینها واقعاً دژهای پولادین هستند ؟ بهیچوجه ! خودتان قضاوت کنید ، آیا قصرهای امپراطوران فنودالی با دیوارها و خندق‌هایشان که از هزاران سال پیش ساخته شده‌اند ، باندازه کافی محکم نبودند ؟ ولی

بمحض اینکه توده‌ها بپا خاستند ، آنها هم یکی پس از دیگری فرو ریختند . تزار روسیه یکی از بیرحم‌ترین حکمروایان جهان بود ؛ اما وقتی پرولتاریا و دهقانان برای انقلاب بپاخاستند ، از او چه باقی ماند ؟ هیچ . آن دژ پولادین کجاست ؟ آن هم فرو ریخت . رفقا ! دژ پولادین واقعی کدامست ؟ این دژ پولادین توده‌ها هستند ، میلیونها میلیون توده مردمی که با صمیمیت و خلوص نیت از انقلاب پشتیبانی میکنند . اینست آن دژ پولادین واقعی که هیچ نیروئی - مطلقاً هیچ نیروئی - را یارای در هم شکستن آن نیست . ضد انقلاب قادر بدر هم شکستن ما نیست ؛ ولی بعکس ، ما آنها در هم خواهیم شکست . با گرد آوردن توده‌های میلیونی مردم بدور دولت انقلابی و گسترش جنگ انقلابی ما ، ما خواهیم توانست همه ضد انقلاب را محو و نابود سازیم ، و سراسر چین را به تصرف در آوریم .

مسئله دوم مسئله شیوه‌های کار است .

ما رهبران و سازماندهندگان جنگ انقلابی و در عین حال رهبران و سازماندهندگان زندگی توده‌ها هستیم . سازمان دادن جنگ انقلابی و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی توده‌ها دو وظیفه بزرگ ما بشمار میرود . در اینجا مسئله شیوه‌های کار با تمام حدت خود در برابر ما قرار میگیرد . این کافی نیست که ما تنها وظایف را مطرح کنیم بلکه باید بتوانیم مسئله شیوه انجام این وظایف را نیز حل کنیم . اگر وظیفه ما عبور از رودخانه باشد ، بدون پل یا قایق نمیتوانیم از آن عبور کنیم . تا وقتی که مسئله پل یا قایق حل نشود ، صحبت کردن درباره عبور از رودخانه بیهوده است . تا وقتی که مسئله شیوه حل نشود ، صحبت کردن درباره وظیفه بی‌ثمر است . چنانچه ما مراقبت نکنیم که کار افزایش نفرت ارتش سرخ بدرستی رهبری شود ، چنانچه ما به شیوه‌هایی که باید برای افزایش نفرت ارتش سرخ بکار بریم ، نیاندیشیم ، حتی اگر هزار

بار هم شعار افزایش نفقات ارتش سرخ را تکرار کنیم ، موفق نخواهیم شد . اگر در هر کار دیگری مانند بررسی نتیجه کار تقسیم اراضی ، ساختمان اقتصادی ، فرهنگ و آموزش و یا کار در مناطق جدید و مناطق مرزی فقط به تعیین وظایف پردازیم ، بدون آنکه به شیوه‌های خاص انجام آنها بپا ندیشیم ، بدون آنکه علیه شیوه‌های بوروکراتیک کار مبارزه کنیم و شیوه‌های عملی و مشخص کار را بپذیریم ، بدون آنکه شیوه کماندستی را بدور اندازیم و شیوه اقناع صبورانه را بپذیریم ، قادر بانجام هیچیک از وظایف خود نخواهیم بود .

در شهرستان سین گوه رفقای ما خیلی عالی کار کرده‌اند و شایسته‌اند که بآنها عنوان کارمندان نمونه داده شود . همینطور رفقای ما در شمال شرقی جیان سی بطور خلاق کار کرده‌اند ؛ آنها نیز کارمندان نمونه هستند . رفقای نظیر رفقای ما در سین گوه و شمال شرقی جیان سی زندگی توده‌ها را با جنگ انقلابی پیوند داده‌اند و مسایل شیوه‌های کار انقلابی و مسایل انجام وظایف انقلابی خود را همزمان حل کرده‌اند . آنها با جدیت تمام کار میکنند ، مسایل را پس از تعمق زیاد حل مینمایند ، از عهده مسئولیتهای خود در قبال انقلاب آنطور که باید و شاید ، بر می‌آیند ؛ آنها سازماندهندگان و رهبران شایسته جنگ انقلابی و در عین حال سازماندهندگان و رهبران شایسته زندگی توده‌ها هستند . در نقاط دیگر نیز رفقای ما در کار خود پیش رفته و شایسته تحسین‌اند ، مثلاً در بعضی قسمتهای شهرستانهای شان هان ، چان تین ، یون دین واقع در استان فو جیان ؛ در سی جیان و نقاط دیگر واقع در جنوب جیان سی ؛ در بعضی قسمتهای شهرستانهای چالین ، یون سین و جی ان در منطقه مرزی حونان - جیان سی ؛ در بعضی قسمتهای شهرستان یان سین در منطقه مرزی حونان - حو به - جیان سی ؛ در بسیاری از بخشها و دهستانهای شهرستانهای دیگر جیان سی و بالاخره در ژوی جین شهرستانی که مستقیماً تابع حکومت مرکزی ماست .

تردیدی نیست که در تمام نقاط تحت رهبری ما عده زیادی کادرهای فعال ، رفقای بسیار خوب وجود دارند که از میان توده‌ها برخاستند . این رفقا وظیفه دارند به نقاطی که در آنجا کار ما دچار ضعف است ، کمک کنند و به آن رفقائی که هنوز نمیتوانند خوب کار کنند ، یاری رسانند . ما در يك جنگ انقلابی بزرگ هستیم ؛ ما باید عملیات وسیع "محاصره و سرکوب" دشمن را در هم شکنیم ؛ ما باید انقلاب را به سراسر کشور گسترش دهیم . مسئولیت فوق‌العاده سنگینی بر دوش تمام کادرهای انقلابی است . ما باید پس از پایان کنگره برای بهبود کار خود تدابیر مؤثری اتخاذ کنیم ، مناطق پیشاهنگ باید به پیشرفت خود ادامه دهند و مناطق عقب‌مانده باید خود را به مناطق پیشاهنگ برسانند . ما باید هزاران دهستان نظیر چان گان و ده‌ها شهرستان نظیر سین گوه بوجود آوریم . اینها مواضع مستحکم ما خواهند بود . وقتیکه این مواضع را اشغال کردیم ، خواهیم توانست از اینجا برای در هم شکستن عملیات "محاصره و سرکوب" دشمن ، برای سرنگون ساختن سلطه امپریالیسم و گومیندان در سراسر کشور حرکت نمائیم .

### یادداشتها

- ۱ - دهستان چان گان واقع است در شهرستان سین گوه از استان جیان سی .
- ۲ - دهستان تسای سی واقع است در شهرستان شان‌هان از استان فوجیان .
- ۳ - شهرستان گون لیوه یکی از شهرستانهای منطقه سرخ جیان سی بمرکزیت شهر کوچك دون گو واقع در جنوب شرقی شهرستان جی ان بود . بیادبود رفیق حوان گون لیوه فرمانده سومین سپاه ارتش سرخ که در اکتبر ۱۹۳۱ در آنجا بشهادت رسید ، این شهرستان را ایجاد کردند و نام رفیق حوان گون لیوه را بر آن نهادند .
- ۴ - در ژوئیه سال ۱۹۳۳ در جریان کنفرانس نظامی منعقد در لو شان واقع

در جیان سی ، چانکایشك تصمیم گرفت در پنجمین عملیات "محاصره و سرکوب" خود تاکتیک نظامی جدیدی یعنی ساختمان استحکامات در پیرامون مناطق سرخ را مورد استفاده قرار دهد . تعداد استحکاماتی که در جیان سی تا پایان ژانویه ۱۹۳۴ ساخته شده بود ، به ۲۹۰۰ بالغ آمد . این تاکتیک چانکایشك بعداً توسط تجاوزکاران ژاپنی در عملیات خود علیه ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید نیز مورد استفاده قرار گرفت . استراتژی جنگ توده‌ای که رفیق مائو سه دون آنرا تدوین کرده ، نشان میدهد که خنثی کردن و غلبه نمودن بر تاکتیک ضد انقلابی استحکامات کاملاً امکان‌پذیر است و جریان بعدی حوادث صحت این نظر را با وضوح تمام باثبات رسانید .



## در باره تاکتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن

( ۲۷ دسامبر ۱۹۳۵ )

### ویژگیهای وضع سیاسی کنونی

رققا ! در وضع سیاسی کنونی تغییرات بزرگی روی داده است . حزب ما وظایف خود را متناسب با این وضع دگرگون شده تعیین کرده است .  
وضع کنونی چگونه است ؟  
شاخص اساسی وضع کنونی عبارتست از کوشش امپریالیسم ژاپن در تبدیل چین به مستعمره خود .

---

متن حاضر گزارشی است که رفیق مائو تسه دون پس از پایان جلسه دسامبر ۱۹۳۵ بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در وایائو بانو ، به کنفرانس فعالین حزب در وایائو بانو از شمال شنسی تقدیم داشت . در این جلسه بوروی سیاسی - یکی از جلسات فوق العاده مهم کمیته مرکزی - این نظر اشتباه آمیز موجود در حزب که گویا بورژوازی ملی چین نمیتواند در مبارزه علیه ژاپن متحد کارگران و دهقانان باشد ، مورد انتقاد قرار گرفت و تصمیم گرفته شد تا کتیک جبهه متحد ملی اتخاذ شود . رفیق مائو تسه دون بر اساس تصمیمات بوروی سیاسی ، در گزارش خود بتفصیل توضیح داد که در شرایط جنگ مقاومت ضد ژاپنی استقرار مجدد جبهه متحد با

ما همه میدانیم که چین تقریباً از يك قرن پیش کشوری است نیمه مستعمره که در زیر سلطه مشترك چند کشور امپریالیستی قرار دارد. در سایه مبارزه خلق چین علیه امپریالیسم و در اثر کشمکشهایی که بین دولتهای امپریالیستی رخ داده، چین توانسته است وضع نیمه مستقلی برای خود حفظ کند. نخستین جنگ جهانی به امپریالیسم ژاپن تا مدتی امکان داد که سلطه بلامنازع خود را بر چین برقرار سازد. معذک در نتیجه مبارزه خلق چین علیه امپریالیسم ژاپن و مداخله دولتهای امپریالیستی دیگر، قراردادی که چین را به ژاپن تسلیم میکرد، یعنی خواستهای بیست و يك گانه (۱) که از طرف یوان شی کای (۲) بزرگترین میهن فروش آن دوران امضا شده بود، اجباراً باطل و ملغی اعلام گردید. در کنفرانس نه دولت (۳) که از طرف ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۲۲ در واشنگتن دعوت شد، پیمانی منعقد گردید که طبق آن چین دوباره در زیر سلطه مشترك چند قدرت امپریالیستی قرار میگرفت. اما مدتی نگذشت که وضع بار دیگر تغییر کرد. با حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ (۴) مرحله تبدیل چین به مستعمره ژاپن آغاز گردید. از آنجا که تجاوز ژاپن

بورژوازی ملی امکان پذیر و مهم است. وی در ضمن نقش رهبری حزب کمونیست و ارتش سرخ در درون این جبهه متحد را که دارای اهمیت قطعی بود، تأکید نمود، طولانی بودن انقلاب چین را متذکر شد و از سیاست کوتاه نظرانه "درهای بسته" و بیماری انقلابیگری که از مدتها پیش در درون حزب وجود داشت و علل اساسی ناکامیهای جدی حزب و ارتش سرخ در جریان دومین جنگ داخلی انقلابی بود، انتقاد کرد. رفیق مائو تسه دون در عین حال توجه حزب را به درسهای تاریخی شکست انقلاب ۱۹۲۷ که اپورتونیسم راست چن دو سیو مسبب آن بود، جلب نمود و نشان داد که چانکایشک بدون شك خواهد کوشید نیروهای انقلاب را تحلیل ببرد. او بدین ترتیب حزب ما را در موقعیتی قرار داد که توانست از آن پس خونسردی خود را در هر وضع جدید حفظ کند و نیروهای انقلابی را علیرغم عوامفریبیهای مداوم و حملات مسلحانه مکرر چانکایشک از تلفات



بطور موقت به چهار استان شمال شرقی (۵) محدود شده بود ، بعضی ها تصور میکردند که امپریالیستهای ژاپن احتمالا پیشتر نخواهند رفت . امروز وضع بکلی عوض شده است : امپریالیستهای ژاپن قصد خود را دایر بر پیشروی بسوی جنوب دیوار بزرگ و اشغال سراسر چین آشکار ساخته اند . آنها اکنون میکوشند تمام چین را از کشوری نیمه مستعمره که میان چند قدرت امپریالیستی تقسیم شده ، بصورت مستعمره کامل ژاپن در آورند . حادثه اخیر چه به شرقی (۶) و مذاکرات دیپلماتیک (۷) علایم روشنی بر این گرایش حوادث است که حتی موجودیت تمام خلق چین را نیز بمخاطره می اندازد . این وضع در برابر تمام طبقات و گروه های سیاسی چین چنین سئوالی را — ”چه باید کرد“ — قرار داده است : آیا باید مقاومت کرد ؟ یا اینکه باید تسلیم شد ؟ و یا اینکه باید میان این دو راه نوسان کرد ؟

اکنون بپیمیم طبقات مختلف چین باین سئوال چگونه پاسخ میدهند . کارگران و دهقانان چین همگی خواستار مقاومت اند . انقلاب ۱۹۲۴ — ۱۹۲۷ ، انقلاب ارضی که از سال ۱۹۲۷ تا با امروز ادامه دارد و موج ضد

مصون دارد . در جلسه وسیع بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب که در ژانویه ۱۹۳۵ در زون ای واقع در گوی جو تشکیل گردید ، رهبری جدیدی که در رأس آن رفیق مائو تسه دون قرار داشت ، در کمیته مرکزی جای رهبری قدیم اپورتونیست ”چپ“ را گرفت . معذک از آنجا که جلسه در اثنای راه پیمائی طولانی ارتش سرخ تشکیل گردید ، کار آن فقط محدود باین شد که تصمیماتی در مورد مبرم ترین مسایل نظامی و مسایل تشکیلاتی دبیرخانه و کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی اتخاذ نماید . تنها پس از آنکه ارتش سرخ در پایان راه پیمائی طولانی به شمال شنسی رسید ، کمیته مرکزی امکان یافت در زمینه سیاسی مسایل مختلف تاکتیکی را بطور منظم مطرح و مورد بررسی قرار دهد . و درست همین مسایل است که رفیق مائو تسه دون در این گزارش بطور جامعترین وجهی مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد .

ژاپنی که از زمان حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ برخاسته است ، همه نشان میدهند که طبقه کارگر و طبقه دهقان چین مصمتمترین نیروهای انقلاب چین اند .  
 خرده‌بورژوازی چین نیز خواستار مقاومت است . مگر این جوانان دانشجو و خرده بورژوازی شهری نیستند که هم اکنون جنبش ضد ژاپنی وسیعی را آغاز کرده‌اند (۸) ؟ این بخشهای خرده بورژوازی چین در انقلاب ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ شرکت جسته بودند . آنها همانند دهقانان ، از نظر وضع اقتصادی مولدین خرده‌پا هستند و منافعشان با منافع امپریالیستها سخت در تضاد است . امپریالیسم و نیروهای ضد انقلاب چین صدمات عظیمی به آنها زده‌اند ، بطوریکه عده کثیری از آنها را به بیکاری و ورشکستگی کامل یا ناقص کشانیده‌اند . اکنون آنها از آنجا که خود را عنقریب مورد تهدید بردگی استعمار می‌بینند ، چاره‌ای جز مقاومت ندارند .

اما بورژوازی ملی ، بورژوازی کمپرادور ، طبقه مالکان ارضی و گومیندان در برابر این مسئله چه عکس‌العملی از خود نشان میدهند ؟  
 مستبدین محلی بزرگ ، متنفذین شریر بزرگ ، دیکتاتورهای نظامی بزرگ ، بوروکراتهای بزرگ و کمپرادورهای بزرگ دیری است که موضع خود را انتخاب کرده‌اند . آنها کمافی‌السابق بر آنند که انقلاب ( هر انقلابی که باشد ) از امپریالیسم بدتر است . آنها اردوئی از میهن‌فروشان را تشکیل داده‌اند ، و مسئله تبدیل به بردگان استعمار برایشان مطرح نیست ، زیرا که هر گونه احساس ملی را از دست داده‌اند و منافعشان با منافع امپریالیستها در آمیخته است . سر کرده آنها چانکایشک است (۹) . این اردوی میهن‌فروشان ، دشمن سوگندخورده خلق چین است . بدون وجود این خیل میهن‌فروشان ، امپریالیسم ژاپن هرگز باین گستاخی دست به تجاوز نمیزد . آنها نوکران امپریالیسم اند .

بورژوازی ملی مسئله بغرنجی را پیش میآورد. این طبقه در انقلاب ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ شرکت کرد، ولی بعداً از آتش این انقلاب بوحشت افتاد و به اردوی دشمن خلق - بدارودسته چانکایشک - پیوست. مسئله بر سر اینست که آیا امکان دارد بورژوازی ملی در اوضاع و احوال کنونی تغییر کند؟ بنظر ما امکان دارد. زیرا که بورژوازی ملی با طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور یکسان نیست؛ میان آنها فرق است. بورژوازی ملی نه دارای خصلت فئودالی برجسته‌ای چون طبقه مالکان ارضی است و نه دارای خصلت کمپرادوری بارزی چون بورژوازی کمپرادور. آن بخش از بورژوازی ملی که پیوند نسبتاً نزدیکی با سرمایه خارجی و مالکیت ارضی چین دارد، جناح راست آنرا تشکیل میدهد و ما فعلاً روی احتمال تغییر این جناح حساب نمیکنیم. اما مسئله در مورد بخشهای دیگر بورژوازی ملی که از این نوع پیوندها اصلاً ندارند و یا کم دارند، مطرح است. بعقیده ما در وضع جدید که خطر تبدیل چین به مستعمره موجود است، در روش آنها میتواند تغییری روی دهد. ولی صفت ممیزه این تغییر تزلزل است. آنها از یکسو از امپریالیسم متفرند و از سوی دیگر از انقلابی که تا پایان پیش رود، وحشت دارند و در میان این دو موضع در نوسان اند. توضیح این مطلب که چرا آنها در دوران انقلابی ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ در انقلاب شرکت جستند و چرا در پایان این دوران به چانکایشک گرویدند، در همین نکته نهفته است. میان دوران کنونی و سال ۱۹۲۷ که چانکایشک به انقلاب خیانت ورزید، چه تفاوتی وجود دارد؟ در آنموقع چین هنوز کشوری نیمه مستعمره بود ولی اکنون دارد مستعمره میشود. آیا آنها طی این نه سال پس از آنکه متحد خود یعنی طبقه کارگر را رها کردند و با طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور پیوند دوستی بستند، چیزی بدست آوردند؟ خیر، آنها هیچ چیز بجز

ورشکستگی کامل یا ناقص مؤسسات صنعتی و تجارتي خویش بدست نیاوردند . از اینرو ما بر آنیم که تغییر روش بورژوازی ملی در اوضاع و احوال کنونی امکان پذیر است . این تغییر چقدر خواهد بود ؟ صفت ممیزه این تغییر بطور کلی تزلزل است . معذک در مرحله معینی از مبارزه ممکن است که بخشی از بورژوازی ملی ( جناح چپ آن ) در مبارزه شرکت کند و بخش دیگر از تزلزل به بیطرفی بگراید .

ارتش نوزدهم بفرماندهی تسای تین کای و همکارانش (۱۰) مبین منافع کدام طبقه است ؟ مبین منافع بورژوازی ملی و قشر فوقانی خرده بورژوازی و همچنین دهقانان مرفه و مالکان ارضی کوچک در روستا . آیا تسای تین کای و همکارانش سرسختانه علیه ارتش سرخ بمبارزه نپرداخته اند ؟ چرا ، ولی بعداً با این ارتش علیه ژاپن و چانکایشک پیمان اتحاد بستند . آنها در جیان سی به ارتش سرخ حمله کردند ، لیکن بعداً در شانگهای با امپریالیستهای ژاپنی جنگیدند ؛ و سپس در فوجیان با ارتش سرخ کنار آمدند و تفنگهای خود را بسوی چانکایشک برگرداندند . تسای تین کای و همکارانش هر کاری هم که در آینده بکنند ، و علیرغم پافشاری دولت توده‌ای فوجیان در روش قدیم خود که از بسیج توده‌ها برای نبرد امتناع میورزید ، همین نکته که آنها تفنگهای خود را از سوی ارتش سرخ بسوی امپریالیسم ژاپن و چانکایشک برگردانده‌اند ، باید عمل مفیدی بحال انقلاب تلقی گردد . این خود انشعابی در اردوی گومیندان محسوب میشود . اگر وضعی که پس از حادثه ۱۸ سپتامبر ایجاد شد ، منجر به جدا شدن این گروه از گومیندان گردید ، چرا وضع کنونی نمیتواند در درون گومیندان انشعاب تازه‌ای پدید آورد ؟ آن اعضای حزب ما که عقیده دارند اردوی مالکان ارضی و بورژوازی متحد و ثابت است و در این اردو تحت هیچ شرایطی تغییری

روی نخواهد داد، در اشتباهند. آنها نه فقط وخامت وضع کنونی را در نمی یابند بلکه تاریخ را هم بدست فراموشی سپرده اند.

اجازه بدهید اندکی بیشتر درباره گذشته صحبت کنم. در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ هنگامیکه ارتش انقلابی بسوی اوهان پیش میرفت و بالاخره این شهر را بتصرف در آورد و حتی تا حه نان پیشروی کرد، تان شن جی و فون یو سیان (۱۱) به انقلاب پیوستند. در سال ۱۹۳۳ فون یو سیان برای مدت کوتاهی در چاهار با حزب کمونیست همکاری کرد و ارتش متحد ضد ژاپنی تشکیل گردید.

يك نمونه بارز دیگر: آیا ارتش بیست و ششم که باتفاق ارتش نوزدهم در جیان سی به ارتش سرخ حمله کرد، در دسامبر ۱۹۳۱ قیام نین دو (۱۲) را براه نیانداخت و به ارتش سرخ نپیوست؟ رهبران این قیام جائو بوه شن و دون جن تان و دیگران در جریان انقلاب به رفقای محکمی تبدیل گردیدند.

عملیات ما جان شان (۱۳) علیه اشغالگران ژاپنی در سه استان شمال شرقی نیز بمثابه انشعابی در اردوی طبقات حاکمه محسوب میشود.

تمام این مثالها نشان میدهند که در موقعیکه تمام چین زیر تهدید بمبهای ژاپنی قرار میگردد، و مبارزه آهنگ عادی خود را از دست میدهد و ناگهان جهش وار پیش میرود، در اردوی دشمن انشعاباتی روی خواهد داد. اکنون، رفقا، به جنبه دیگر مسئله پردازیم.

آیا درست است که با استفاده از این حقیقت که بورژوازی ملی چین در زمینه های سیاسی و اقتصادی ضعیف است، با نظر ما مخالفت شود و بعد تصور گردد که بورژوازی ملی چین علیرغم وضع جدید نمیتواند روش خود را تغییر دهد؟ من فکر نمیکنم. اگر بورژوازی ملی بعلت ضعف قادر نیست روش خود را

تغییر دهد، پس چرا در سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ روش عادی خود را از دست داد، و نه فقط دستخوش زلزله گردید بلکه حتی در انقلاب نیز شرکت نمود؟ آیا میتوان گفت که این ضعف بورژوازی ملی يك نقص اکتسابی است و نه يك عیب مادرزاد؟ آیا میتوان گفت که بورژوازی ملی امروز ضعیف است ولی در آن دوران ضعیف نبوده است؟ ضعف بورژوازی ملی یکی از ویژگیهای عمده سیاسی و اقتصادی کشور نیمه مستعمره است. و بهمین دلیل است که امپریالیستها جرأت می یابند بورژوازی ملی را مورد اهانت قرار دهند، و باز از همینجاست که بورژوازی ملی از امپریالیسم تنفر دارد. البته ما بهیچوجه انکار نمیکنیم بلکه بعکس کاملاً میپذیریم که امپریالیسم، طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور درست بهمین علت است که با دادن چند امتیاز موقتی بورژوازی ملی را بدون زحمت بدام می اندازند؛ و ناپیگیری بورژوازی ملی در انقلاب درست از همینجا ناشی میشود. معذک نمیتوان گفت که بورژوازی ملی در اوضاع و احوال کنونی بهیچوجه با طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور تفاوت ندارد.

باینجهت، ما تأکید می کنیم که در لحظات حساس بحران ملی، در درون اردوی گومیندان انشعاباتی روی خواهد داد. چنین انشعاباتی در زلزلات بورژوازی ملی و در وجود شخصیتهای ضد ژاپنی مانند فون یوسیان، تسای تین کای و ماجان شان که تا مدتی وجیه المله بودند، تظاهر میکرد. بطور کلی اینها همه بحال ضد انقلاب نامساعد و بحال انقلاب مساعدند. ناموزونی تکامل سیاسی و اقتصادی چین، و ناموزونی تکامل انقلاب که نتیجه آنست، امکان پیدایش چنین انشعاباتی را زیاد میکند.

رققا! تا اینجا راجع به جنبه مثبت مسئله. اکنون اجازه دهید درباره جنبه منفی مسئله صحبت کنم، یعنی اینکه بعضی از عناصر بورژوازی ملی